ذره بین

روایت محمدرضا باهنر از تحولات پس از جنگ ۱۲ روزه

به اصلاحات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نیاز داریم

دبیر کل جامعه اسلامی مهندسان در خصوص انتصاب علی لاریجانی به دبیری شعام با اینکه وی سال گذشته در انتخابات ردصلاحیت شده بود، اظهار داشت: ما از این‌گونه مثال‌ها یکی دوتا، ده تا نداریم و مثال‌های متنوع و گوناگونی را داریم که باید بزنیم. این برمی‌گردد به اینکه یکسری از ساختارها باید اصلاح شود. در مورد همین ردصلاحیت؛ شورای نگهبان سه واژه دارد، تأیید صلاحیت، ردصلاحیت و عدم احراز صلاحیت. به تعداد زیادی از کسانی که اجازه حضور در انتخابات را نمی‌دهند، نمی‌گوید که صلاحیت‌شان رد شده است، بلکه می‌گوید صلاحیت‌شان احراز نشده است. اقتصادنیوز نوشت؛ محمدرضا باهنر گفت: قبول دارم که ساختار انتخاباتی ما باید کاملا بازنگری اساسی شود و باید ضابطه‌مند باشد؛ یعنی ردصلاحیت و تأیید صلاحیت، احراز و عدم احراز باید ضابطه‌مند و قابل فهم برای همه مردم باشد. اینکه به چه دلیل فلانی ردصلاحیت شده است؟ رئیس جبهه پیروان خط امام و رهبری در خصوص امیدواری به اصلاح ساختار بیان کرد: ما باید دنبال اصلاح ساختار و این حرف‌ها برویم، بله قانون‌گذاری می‌خواهد، مساله سیاست‌های کلی نظام باید اصلاح شود، حتی با برخی از آقایان فقها که صحبت می‌کنیم، به آنها گفتم که این نحوه برخورد شما سرمایه اجتماعی ما را هم کاهش می‌دهد. باهنر ادامه داد: به آقایان شورای نگهبان می‌گوییم سرمایه اجتماعی چه می‌شود، می‌گویند ما که مسئول سرمایه اجتماعی نیستیم، ما مسئولی هستیم که می‌گوییم صلاحیت دارد یا نه. اما این‌گونه که نمی‌شود، ما باید همه دست به دست دهیم که سرمایه اجتماعی را حفظ کنیم و نگه داریم. زمانی ۷۰-۸۰ درصد مردم در انتخابات مجلس شرکت می‌کردند، در انتخابات ریاست جمهوری ۷۵ درصد شرکت می‌کردند، اما الان اعداد ۴۰-۴۱ درصد است. من یک بار در مجمع تشخیص مصلحت نظام که اتفاقا روسای قوا، فقهای شورای نگهبان و دیگران هم بودند، گفتم که بخشی از فروپاشی سرمایه اجتماعی بر اثر کار شما حقوقدانان و فقهای شورای نگهبان است. نماینده ادوار مجلس در خصوص بازگشت لاریجانی و احتمال تغییرات عنوان کرد: آقای لاریجانی شخصیتی است که هم در فضای داخلی و هم بین‌الملل آدم شناخته شده‌ای است و خود این انتصاب پیام‌های خوبی را دارد. خود من با این انتصاب موافق بوده و هستم و آقای لاریجانی هم همان‌گونه که عرض کردم شناخته شده است. او مدت‌ها در صداوسیما بود. زمانی که آقای لاریجانی رئیس صداوسیما بود عملکردش روشن بود. وی ۱۲ سال رئیس مجلس بود، عملکردش روشن بود. زمانی که دبیر شورای عالی امنیت ملی بود عملکردش مشخص بود. مثلا بخواهند آقای باهنر را دبیر شورای عالی امنیت ملی کنند، یک عده‌ای او را می‌شناسند و تنها نماینده مجلس بوده است، اما آقای لاریجانی بسیاری از این مسئولیت‌های حساس را طی کرده است. اینها جاهای کوچکی نیست. عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام اظهار کرد: آقای لاریجانی چنین جای حساسی را با موفقیت مدیریت کرده است. بعد از اتمام دوره او اگر جست‌وجو کنید، می‌بینید تعریف‌هایی که رهبر انقلاب از مدیریت آقای لاریجانی در دوره ریاست بر صداوسیما داشته، بسیار افتخارآمیز است. آقای لاریجانی اگر قرار بود بیاید و سیاست‌های گذشته را ادامه دهد، فکر می‌کنم خودش هم نمی‌آمد. یعنی فردی نیست که بیاید و ابزاردست یک عده باشد.

مطالبه مردم

وی در تحلیل این تغییر سیاسی ابراز داشت: مسائل زیاد است، غیر از مسائل اخیر، جنگ ۱۲ روزه ما را به باورهایی رساند که من خودم هم با اینکه فکر می‌کردم مردم را خوب می‌شناسم، واقعا یک رنگین‌کمان بسیار زیبایی از انسجام، همدلی و همگرایی بین طیف‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به وجود آمد و چه کسانی آمدند و اعلام کردند که ما ایران مستقل، مقتدر و یکپارچه را می‌خواهیم که حتی تصور هم نمی‌کردیم. این رنگین‌کمان بسیار زیبایی بود که به نمایش گذاشته شد، برای ما ثروت خیلی بزرگی است و باید آن را حفظ کنیم. برای حفظ کردن آن هم نباید توجه خاص به یک قشر خاص و یک گوشه داشته باشیم. در مصاحبه‌هایی عرض کرده بودم که یک عزیزی در صداوسیما گفته بود؛ «مملکت مال حزب‌اللهی‌هاست.» من همان موقع گفتم شما چه کاره‌اید که مملکت را در بست در اختیار یک قشری قرار دهید. حزب‌اللهی‌ها در کشور ۱۰ درصد هستند که روی سر ما جا دارند و اهل ایثار، گذشت و خیلی خدمات دیگر هستند. از طرف دیگر ممکن است ۵-۶ درصد هم داشته باشیم که ما سیاسیون به آنها «رأی سیاه» می‌گوییم؛ آدم‌هایی که منتظرند از آن طرف آب، یکی بیاید و نجاتشان دهد. این فعال سیاسی اصولگرا اذعان کرد: در این میان ۸۰-۸۵ درصد مردم هم می‌خواهند زندگی کنند، می‌خواهند آینده و معیشت‌شان تأمین باشد و به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنند، ایران مستقل، مقتدر و یکپارچه را دوست دارند، اما می‌خواهند زندگی کنند. نمی‌توانند مثل حزب‌اللهی‌ها فکر کنند، اهل گذشت و ایثار شاید نباشند، اما اینها جمعیت و شهروندان ایران هستند و باید آنها را حفظ کرد و نگه داشت. من همان موقع هم گفتم که از میان ۱۰ درصد حزب‌اللهی‌ها، دو میلیون نفرشان می‌گویند که همه ایرانی‌ها باید مثل ما فکر کنند، اینها اشتباه می‌کنند.

حقوقدانان در گفت‌وگو با «آرمان ملی» بررسی کردند

موانع پیش روی اصلاح قانون مطبوعات

سیدمحمود علیزاده طباطبایی: مشکل مطبوعات نگاه امنیتی به آنهاست

هوشنگ پوربابایی: باید منتظر لایحه قوه قضائیه و دولت باشیم

آرمان ملی- حمید شجاعی: جمله‌ای معروف است که هر وقت بخواهند اعتبار و جایگاه رسانه‌ها را متذکر شوند مطرح می‌کنند که «مطبوعات و رسانه‌ها رکن چهارم دموکراسی هستند» اما اینکه این رکن چهارم دموکراسی تا چه میزان می‌تواند در راستای رسالت خود یعنی اطلاع‌رسانی شفاف، آزاد و بدون محدودیت قدم بردارد با مسائل و موانع مختلفی روبه‌رو است. واقعیت این است که رسانه‌ها و مطبوعات از گذشته تاکنون با محدودیت‌هایی روبه‌رو بوده‌اند که انجام کار را برای آنها تا حدی دشوار می‌کرده و حتی در این میان مجبور به پرداختن هزینه‌هایی نیز می‌شدند. هزینه‌هایی از قبیل دادگاه، احکام قضایی و در بدترین حالت زندان و در خوشبینانه‌ترین حالت جزا و جرایم نقدی که همین امر باعث ایجاد شرایطی خاص و محدود برای روزنامه‌نگاران شده است. از همین رو نیز بسیار شاهد این امر بوده‌ایم که در مورد مسائل و تحولات مختلف داخلی در حوزه‌های مختلف مطبوعات مختلف همواره جانب احتیاط را رعایت کرده‌اند و به قول معروف دست به عصا حرکت کرده‌اند. کم نبوده‌اند مطبوعاتی که بر همین پایه طی دهه‌های گذشته با توقیف، لغو امتیاز یا توبیخ و شکایت مواجهه شده‌اند. نگاهی به شرایط مطبوعات در اواخر دهه ۷۰ و توقیف فله‌ای تعدادی از روزنامه‌ها در آن دوران به وضوح نشانگر نوع برخورد با مطبوعات به‌عنوان رکن چهارم دموکراسی بود. روندی که نه به آن پررنگی اما در سال‌های پس از آن نیز ادامه یافت؛ اما بیشتر به سمت محدودیت خبرنگاران و روزنامه‌نگاران رفت. این در حالی است که از همان زمان تاکنون نیز بسیاری از اهالی مطبوعات به‌دنبال شرایطی برای اصلاح قانون مطبوعات بودند که این امر تاکنون تحقق نیافته است. با این حال در همین راستا چندی پیش حجت‌الاسلام محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه در دیدار با مدیران برخی رسانه‌ها ضمن گرامیداشت روز خبرنگار، فراخوانی درخصوص قانون ناظر بر رسانه صادر کرد و گفت: «قانون مطبوعات در سال ۱۳۶۴ تدوین شده و آخرین اصلاحات عمده صورت‌گرفته بر روی این قانون، مربوط به سال ۱۳۷۹ است؛ بر همین اساس، از همه اصحاب رسانه می‌خواهم که حداکثر تا ۱۵ شهریور به ما اعلام کنند که آیا نیاز به اصلاح و بازنگری قانون در حوزه رسانه وجود دارد یا خیر؟ چنانچه پاسخ اهالی رسانه، به این پرسش، مثبت است، قید کنند که در چه حوزه‌هایی باید این اصلاح و بازنگری اِعمال شود، این نظرات از طریق مرکز رسانه قوه قضائیه دریافت می‌شود». اینکه رئیس دستگاه قضا چنین امر مهمی را مطرح کرده و خود در این مسیر پیشقدم شده و از رسانه‌ها نظر خواسته امر مبارکی است؛ اما باید دید آنچه روزنامه‌نگاران و مدیران رسانه‌ها از اصلاح قانون مطبوعات مدنظر دارند تا آنچه که قابل اجرا است چه میزان تفاوت است و چقدر قابل توجه رسانه‌ها قرار خواهد گرفت. محمد صالح نقره‌کار حقوقدان معتقد است: «اصلاح قانون مطبوعات می‌تواند به تقویت اعتماد عمومی کمک کند».

دستگاه‌های قضایی و امنیتی

یک حقوقدان و وکیل دادگستری در خصوص فراخوان اخیر رئیس قوه قضائیه در مورد اصلاح قانون مطبوعات اظهار داشت: قانون اساسی زیربنای این مساله را فراهم کرده ولی مشکل ما که رئیس قوه قضاییه هم به خوبی می‌داند این است که متاسفانه تصمیمات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همه متاثر از مسائل امنیتی است و رئیس دستگاه قضایی باید این مساله را حل کند. سیدمحمود علیزاده طباطبایی گفت: وقتی دستگاه‌های امنیتی پشت قضیه هستند و به محض اینکه مطبوعات مطلبی می‌نویسند فوری انگ امنیتی به آن می‌زنند اینگونه دست قاضی هم بسته می‌شود. لذا رئیس قوه قضاییه بیش از اینکه قانون را اصلاح کند بایستی سیستم را اصلاح کنند که دستگاه قضایی مستقل از دستگاه امنیتی در مسائل مطبوعات و رسانه‌ها تصمیم بگیرد. وی افزود: متاسفانه تصمیمات دستگاه‌های قضایی متاثر از تصمیمات دستگاه‌های امنیتی است. وی در خصوص اصلاح این قانون و تاثیر آن بر آزادی بیشتر مطبوعات بیان کرد: من با این مجلسی که روی کار است هیچ امیدی به اصلاح این قانون ندارم. چون قوانینی که این مجلس وضع می‌کند چندان کارآیی لازم را ندارد که نمونه‌اش را در قانون عفاف و حجاب دیدیم. پیشنهاد من این است که رئیس قوه قضائیه بیشتر سیستم قضایی در قبال مطبوعات را اصلاح کند و اگر این سیستم اصلاح شود بازپرس در همان مرحله اول می‌تواند به استناد قانون اساسی رسیدگی کند، چون قانون اساسی آزادی مطبوعات و رسانه‌ها را پیش‌بینی کرده است.

روزنامه‌نگاران سپر بلای قانون

یک وکیل دادگستری در خصوص اصلاح قانون مطبوعات و فراخوان رئیس دستگاه قضایی در این خصوص اظهار داشت: قوه قضائیه مرجعی است که می‌تواند با تهیه لوایح قضایی از طریق دولت خواسته‌های خود را از طریق مجلس به منصه ظهور بگذارد که مر قانون اساسی است. خب قوانین و لوایح متعددی از طرف قوه قضائیه که ماهیتا هم لوایح قضایی هستند ارسال شده بعضا در هیات دولت تغییر و تحولی در آن اتفاق افتاده و جرح و تعدیلی شده و بعضا هم بدون جرح و تردید در مجلس عینا ارسال شده و مجلس هم چکش کاری کرده و تغییراتی در آن حاصل شده و به لحاظ شکلی این امکان وجود دارد. هوشنگ پوربابایی به «آرمان ملی» گفت: به لحاظ ماهیتی رسانه و روزنامه و شبکه‌های مجازی یا مدیاها کلا و به تعبیری که در حقوقدانان مطبوعات بدان اشاره می‌کنند اینها رکن چهارم دموکراسی هر کشوری هستند یعنی با توجه به انتشار آزاد اطلاعات و قوانینی که در این خصوص تصویب شده دقیقا کسانی که از لحاظ اجتماعی یا حقوقی یا سیاسی مطبوعات چشم باز و بینای جامعه هستند کسانی‌اند که آگاهی خاصی به مردم می‌دهند. طبیعی است که سپر بلای مشکلاتی که در مقررات مطبوعات هم وجود دارد دامن‌گیر همین رسانه‌ها، مطبوعات، مدیر مسئول، نویسنده، صاحب مقاله و صاحب امتیاز است. وی افزود: ما از قدیم مکرر دیدیم بسیاری از روزنامه‌نگاران، مدیران مسئول و صاحبان امتیاز با مشکلات متعددی در راستای اطلاع‌رسانی مواجه شدند. بعضا روزنامه‌هایشان توقیف شده که به‌عنوان سلب حیات یک روزنامه تلقی می‌شود، بعضی در شرایطی صاحب امتیاز یا نویسنده با مجازات‌هایی مواجه می‌شود. بعضا دیده بودیم در دهه هفتاد و اوایل هشتاد بسیاری از این روزنامه‌نگارها در واقع به زندان رفتند و مطبوعات متعددی به صورت فله‌ای توقیف شد. بنابراین همه این‌ها مواجه شد با اینکه این تیر پیکان مجازات در قانون مطبوعات با روزنامه‌نگاران برخورد کند. وی ادامه داد: کسانی که مشکلات عمیقی از این مساله تحمل کرده‌اند همین مطبوعاتی‌ها هستند. لذا این‌ها بیشتر در محکمه حضور دارند و می‌شود کسانی که این دردها را کشیدند، دردهای خودشان یا آرزوهایشان را و احترامی را که نسبت به روزنامه‌ها وجود دارد به گوش مسئولان برسانند. این وکیل پایه یک دادگستری بیان کرد: این مسئولان می‌توانند خود رئیس قوه قضائیه باشد که ماهیتا مسئول تدوین لوایح قضایی است یا می‌تواند رئیس جمهور باشد به‌عنوان کسی که مسئول اجرای قانون اساسی است و این‌ها قوانین مطبوعات را اصلاح کنند. وی عنوان کرد: اینکه این مساله تا چه حد امکان‌پذیر است که این اتفاق بیفتد، ممکن است فرمایش آقای اژه‌ای الان به لحاظ شکلی در جامعه وجود داشته باشد، اما پیگیری‌هایی که خود روزنامه‌نگاران در خصوص این موضوع می‌کنند می‌تواند اهرم فشاری بر قوه قضائیه باشد، که شما چنین قولی دادید و یا رسانه‌ها هم نظرات خود را فرستادند و حداقل سود آن این است که قوه قضاییه نسبت به تهیه لایحه توسط معاونت حقوقی و پارلمانی خود اقدام کرده و بفرستد. پوربابایی تصریح کرد: بالاخره این نگرش مثبتی است و اینکه الان لایحه تنظیم نکرده منتظر نتیجه باشیم امکان‌پذیر نیست. باید حداقل لایحه تنظیم شود یا درخواست‌ها مطرح شود بعد تحقیق کرد که آیا این حرف‌ها در قالب شعار باقی می‌ماند یا حتما اجرایی خواهد شد.

«آرمان ملی» در گفت‌وگویی برنامه‌های دولت را بررسی می‌کند

تلاش پاستور برای بومی شدن مدیران

کمال‌الدین پیرموذن: تندروها مانع مدیران بومی هستند

آرمان ملی- گروه سیاسی: باتوجه به چالش‌های مدیریتی در عرصه‌های مختلف باید به این مهم اشاره کنیم که حکمرانی کارآمد در ایران نیازمند آن است که از ظرفیت مدیران بومی و محلی بیشترین بهره گرفته شود. مدیرانی که برخاسته از بطن جامعه و آشنا با ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مناطق خود هستند، می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در ارتقای مشروعیت و اثربخشی حکمرانی ایفا کنند. حضور چنین مدیرانی باعث افزایش اعتماد عمومی، تقویت سرمایه اجتماعی و ارتقای پاسخگویی می‌شود، چراکه آنها نه‌تنها مشکلات محلی را بهتر درک می‌کنند بلکه با حساسیت بیشتری نسبت به خواسته‌های جامعه محلی واکنش نشان می‌دهند. مطالعات متعدد نیز نشان داده‌اند که مدل‌های حکمرانی بومی، در صورت اتکا بر ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی مناطق، می‌توانند با اصول حکمرانی خوب مانند عدالت، شفافیت، مشارکت‌پذیری و مسئولیت‌پذیری همسو باشند. نمونه‌های موفقی از این رویکرد در سطح محلی کشور دیده شده است؛ از جمله نظام‌های سنتی مدیریت منابع که بر اساس مشارکت عمومی و توزیع عادلانه عمل کرده و همزمان با شاخص‌های مدرن حکمرانی تطابق داشته‌اند. مسعود پزشکیان، رئیس جمهوری، در همین راستا بارها بر ضرورت بهره‌گیری از الگوهای بومی در حکمرانی تأکید کرده است. او مدل «مدیریت محله‌محور» را نگرشی جدید برای تقویت مشارکت اجتماعی و چابک‌سازی خدمت‌رسانی می‌داند. در این الگو، ظرفیت‌های مردمی، نهادهای محلی و شبکه‌هایی مانند بسیج و مساجد به عنوان بازوی اجرایی دولت به کار گرفته می‌شوند تا خدمات آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و معیشتی به شکلی نزدیک‌تر و مؤثرتر به مردم ارائه شود. تشکیل شوراهای تحول محله با حضور نمایندگان محلی، نخبگان و خیرین نیز در همین راستا طراحی شده تا مسائل مناطق به شکل درون‌زا شناسایی و حل شوند. پزشکیان همچنین بارها تأکید کرده که نبود داده‌های دقیق و شفاف در سطوح محلی کشور زمینه‌ساز فساد، رانت و ناکارآمدی است و اصلاح این روند نیازمند استانداردسازی و داده‌محوری در مدیریت شهری و روستایی خواهد بود. در این مورد با یکی از تحلیلگران و نماینده‌های ادوار مجلس شورا گفت‌وگویی انجام داده‌ایم. پیرموذن در این مورد معتقد است که اگر می‌خواهیم از ناترازی‌ها عبور کنیم باید از مدیران بومی و البته کارآمد نهایت بهره را ببریم. در این مورد بیشتر می‌خوانیم.

راه حل ناترازی‌ها

کمال‌الدین پیرموذن، تحلیلگر مسائل سیاسی و نماینده ادوار مجلس شورا در این مورد که اهمیت حضور مدیران بومی و محلی چه تاثیری بر حکمرانی دارد به خبرنگار «آرمان ملی» می‌گوید: «تقویت جایگاه مدیران بومی و محلی می‌تواند حکمرانی در ایران را به سمت مشارکت‌محوری، عدالت‌محوری و کارآمدی بیشتر سوق دهد. البته تحقق این هدف مستلزم طراحی سازوکارهای نظارتی شفاف، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین برای مدیریت داده‌ها و آموزش مستمر مدیران محلی است تا ظرفیت‌های مردمی و بومی به شکلی منسجم در خدمت توسعه ملی قرار گیرند. همچنین توجه داشته باشید که مدیران بومی کارآمد می‌توانند نقشی کلیدی در حل ناترازی‌های ساختاری، اقتصادی و اجتماعی کشور ایفا کنند. ناترازی‌هایی مانند شکاف میان منابع و مصارف، توزیع نامتوازن امکانات، تمرکزگرایی در تصمیم‌گیری، یا اختلاف میان نیازهای واقعی جامعه و سیاست‌های کلان، عمدتا به دلیل عدم شناخت دقیق از شرایط محلی و بی‌توجهی به تفاوت‌های منطقه‌ای پدید می‌آیند. مدیران بومی که از بطن جامعه برخاسته‌اند و شناخت عمیقی از ظرفیت‌ها، محدودیت‌ها و نیازهای منطقه خود دارند، می‌توانند با تصمیم‌گیری‌های واقع‌بینانه و مبتنی بر داده‌های محلی، این شکاف‌ها را کاهش دهند». او در مورد تاثیر این تغییرات و واکنش‌های جامعه ادامه می‌دهد: «چنین مدیرانی قادرند منابع محدود را به‌گونه‌ای هدفمند تخصیص دهند که با اولویت‌های واقعی مردم هماهنگ باشد؛ برای مثال در حوزه آب، کشاورزی یا انرژی، شناخت بومی از الگوهای مصرف و ظرفیت‌های تولیدی منطقه می‌تواند راه‌حل‌هایی متناسب و پایدار برای کاهش ناترازی‌ها ارائه دهد. همچنین، مدیران بومی با تکیه بر اعتماد اجتماعی بالاتر، زمینه مشارکت مردمی در اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های اصلاحی را فراهم می‌کنند و از این طریق مانع اتلاف منابع و مقاومت‌های اجتماعی در برابر تغییر می‌شوند. مسعود پزشکیان نیز بارها اشاره کرده است که بسیاری از ناکارآمدی‌ها ناشی از نبود داده‌های دقیق و تصمیم‌گیری‌های متمرکز است. در حالی‌که مدیران بومی می‌توانند با استفاده از داده‌های محلی شفاف، مسیر سیاست‌گذاری را به سمت عدالت و کارآمدی سوق دهند». نماینده ادوار مجلس شورا در مورد اینکه چه مواردی را به‌عنوان موانع این تغییرات می‌داند، اضافه کرد: «ما باید در تغییر مدیران و اعتماد به مدیران بومی ریسک انجام دهیم و همچنین از ظرفیت جوانان و نخبه‌ها استفاده کنیم ولی به نظر من آنچه قبلیه‌گرایی و دسته‌بندی‌های سیاسی مهم‌ترین مانع مدیران بومی است. گروه‌های افراطی و تندرو بالابی‌هایی که در استان‌ها دارند همواره نفرات نزدیک به خود را بر سر کار می‌گذارند و در ادامه جایی برای مدیران استانی باقی نمی‌ماند».

نفی مدیر پروازی

مسعود پزشکیان، رئیس جمهوری در مراسم افتتاح طرح‌های نفتی و گازی ایلام که به‌صورت وبیناری در آن شرکت کرد، خطاب به مسئولان پروژه خواست تا استفاده از نیروها و متخصصان بومی استانی را در اولویت قرار دهند. پزشکیان با تاکید برای اهمیت مدیران محلی گفت: «وقت آن است که دست از مدیران پروازی برداریم. مدیران و متخصصان دلسوز و بومی استان ایلام و مردم در این پروژه به خدمت گرفته شوند».

گزارش

دو راهی رئیس جمهوری برای رفع فیلترینگ

دست بالا در شورای عالی فضای مجازی با کدام جریان است؟

«چه زمانی قفل فیلترینگ می‌شکند؟» این یکی از مهم‌ترین سوالات مردم از مسعود پزشکیان است. کسی که با وعده رفع فیلترینگ در کنار وعده‌های دیگری چون حل و فصل مساله حجاب، پیوستن به FATF و... در تیرماه ۱۴۰۳ توانست رقبای خود را از میان بردارد و فاتح پاستور شود. حال مردم بیش از یکسال است که خواهان آن هستند که پزشکیان به وعده‌ای که برای آن گردن خود را گرو گذاشت، جامه عمل بپوشاند. این روزها مردم گلایه‌های زیادی دارند؛ گلایه‌هایی با رنگ و بوی اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... اما یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها و ناراحتی‌های آنان مساله فیلترینگ، محدودیت‌های فضای مجازی و سرعت اینترنت است. سرعت اینترنت این روزها آنقدر «کند» و ضعیف است که به هزار ترفند سایت‌های داخلی را باز می‌کند و شهروندان برای دانلودکردن یک مقاله یا فیلم باید ساعت‌ها از وقت و کار خود بزنند و صبر کنند تا آسه‌آسه فایل موردنظر بارگیری یا بارگذاری شود. جی‌پی‌اس‌ها و مسیریاب‌ها به خوبی کار نمی‌کنند و مردم برای پیدا کردن یک مسیر ساده با هزار و یک مشکل روبه‌رو هستند. اما نکته تلخ‌تر این است که با وجود سرعت ضعیف اینترنت که حتی صدای وزیر ارتباطات را هم درآورده و پول‌هایی که برای خرید بسته‌های بی‌کیفیت به حساب اپراتورها ریخته می‌شود، برای استفاده از اپلیکیشن‌هایی چون ایکس، اینستاگرام، تلگرام و... باید ماهیانه پول زیادی صرف خرید فیلترشکن شود. فیلترشکن‌هایی که نه تنها گره از کار مردم باز نمی‌کنند بلکه بر نارضایتی‌شان هم روز به روز می‌افزاید.

امیدی که رنگ باخت

وقتی در دیماه ۱۴۰۳، پزشکیان قفل فیلترینگ واتساپ و گوگل‌پلی را شکست، امیدهای تازه‌ای در میان مردم برای برداشته شدن فیلترینگ شکل گرفت. امیدی که با وجود وعده و وعیدها برای برداشته شدن گام دوم رفع فیلترینگ، یعنی رفع محدودیت‌های اینستاگرام، تلگرام و یوتیوب، بیشتر می‌شد. اما نه تنها در آستانه سال نو، دولت از وعده خود عقب‌نشینی کرد که اکنون که مرداد ماه ۱۴۰۴ روزهای پایانی خود را می‌گذراند هم این فیلترینگ برداشته نشده است. حتی جلسات شورای عالی فضای مجازی هم که باید به قاعده ماهی یکبار برگزار شود، در دولت چهاردهم به طور منظم تشکیل نشده است. جلسه‌ای که وقتی تشکیل می‌شود، همه گوش به زنگ می‌شوند تا خبری خوش درباره رفع فیلترینگ از آن بشوند، اما هر بار امیدها کمرنگ‌تر از قبل می‌شود. اما چرا پزشکیان هنوز باگذشت یکسال به وعده خود عمل نکرده است؟ می‌توان پاسخ به این سوال را از لابه‌لای حرف‌های مسئولان جست‌وجو کرد؛ خاصه آنکه تا پیش از آن، به نظر می‌رسید که ۱۵ نفر از اعضای حقیقی شورای عالی فضای مجازی و افرادی که منافع‌شان در گرو فروش فیلترشکن است، با این اقدام دولت مخالف هستند. اما پس از جنگ ۱۲ روزه، به نظر می‌رسد که برخی از چهره‌های جدید نیز به جرگه مخالفان پیوسته‌اند.

مخالفان و موافقان فیلترینگ

بررسی پرونده فیلترینگ پلتفرم‌های فضای مجازی نشان می‌دهد با وجود شورای عالی فضای مجازی و کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه، گاهی دستگاه قضائی و حتی شورای عالی امنیت ملی هم می‌توانند دستور ایجاد محدودیت‌ها را بدهند. شاید بر همین اساس و تاکید بر گفتمان وفاق ملی بود که پزشکیان، پرونده رفع محدودیت‌های فضای مجازی را به شورای عالی فضای مجازی برد تا گره این معضل را در یک نهاد حل و فصل کند. اگر همه اعضای دولت را موافق رفع فیلترینگ در نظر بگیریم، سهم آنان در میان ۲۸ نفر، فقط ۸ رأی است: مسعود پزشکیان (رئیس جمهور)، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزیر علوم و تحقیقات و فناوری، وزیر آموزش و پرورش، وزیر اطلاعات، وزیر دفاع و معاون علمی و فناوری رئیس جمهور. برخی چهره‌ها چون سرافراز و ضرغامی نیز به خاطر تعدیل مواضعی که طی سال‌های اخیر داشته‌اند، می‌توانند در بزنگاه رأی‌گیری وارد تیم دولتی‌ها در حمایت از رفع فیلترینگ شوند، هرچند چرخش مواضع آنها خود یک معضل است و نمی‌توان اطمینان صد در صد داشت و شاید رایزنی‌ها باید با آنها نیز در وجهی دیگر دنبال شود. اما در مقابل، اظهارنظرهایی که از سوی برخی از چهره‌ها می‌شود، نشان می‌دهد که آنها هم در کنار اعضای حقیقی شورای عالی فضای مجازی ایستاده و مخالف رفع فیلترینگ هستند.

کار سخت پزشکیان

اما در میان مخالف‌خوانی‌های حامیان فیلترینگ، به نظر می‌رسد که مسعود پزشکیان برای محقق کردن وعده مهم خود، راه سخت و دشواری را در پیش دارد. او از یک سمت باید مخالفان رفع فیلترینگ را راضی کند و از سوی دیگر، اگر نتواند به این وعده عمل کند، مردم و رأی‌دهندگان خود را ناامید کرده است. پیگیری‌ها از دولت چهاردهم برای سرنوشت رفع فیلترینگ هم عملا به در بسته خورده و هربار با جمله‌هایی چون «به زودی برداشته خواهد شد» یا «در حال پیگیری هستیم» روبه‌رو می‌شود. در واقع، شرایط به گونه‌ای شده که به نظر می‌رسد پزشکیان فعلا توان و قدرتی برای حل‌کردن پرونده قدیمی ندارد یا با تحلیلی دیگر، دولت اراده‌ای برای حل این معضل ندارد تا چینی نازک وفاق، ترک برندارد! همچنین باید گفت که تلاش‌های ستار هاشمی، وزیر ارتباطات، و حسین افشین، معاون علمی فناوری رئیس جمهوری، به‌عنوان اعضای فنی دولت در شورای عالی فضای مجازی برای راضی‌کردن اعضا، کافی نبوده است. از سوی دیگر، پزشکیان با توجه به اینکه رئیس همه شوراهای عالی در کشور است، می‌تواند دستور مستقیم برای رفع فیلترینگ برخی از پلتفرم‌ها را مانند اینستاگرام، یوتیوب و توئیتر صادر کند. اما حتی درباره تلگرام که دارای حکم قضائی است، می‌تواند از جایگاه دفاع از قانون اساسی، رأسا حکم را ابطال کند.